

عکس / ۱۲ سال پیش علیرضا حقیقی

۳ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۵۹

علیرضا حقیقی دروازه بان شماره یک تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی در دوران نوجوانی اش پیش بینی کرده بود که روزی در نقش احمدرضا عابدزاده در فوتبال ایران خواهد درخشید.

علیرضا حقیقی در سال ۸۱، وقتی که فقط ۱۴ سال داشت آن زمان که در عمان با تیم ملی نونهالان به مدال نقره رسیده بود با روزنامه جام جم در ضمیمه «تیک تاک» گفتگو کرد. امروز در حالیکه علیرضا حقیقی به عنوان دروازه بان اول ایران نگاه جهانی را به خود معطوف کرده، پای در جای الگوی خود گذاشته و اگر در جام جهانی ۱۹۹۸ احمدرضا عابدزاده شماره یک ایران بود امروز همان نوجوان از دروازه تیم ملی ایران حراست می کند. بین عابدزاده و حقیقی نقاط مشترک فراوانی وجود دارد که شاید مهمترین آنها همین تلاش برای رسیدن به آرزوها باشد.

متن گفتگوی سال ۸۱ جام جم با وی از نظر می گذرد.

وقتی در عمان مدالهای نقره را از گردن او و هم تیمی هایش آویزان می کردند، چشمان همه بچه های تیم گریان بود؛ ولی او الان هم نمی داند چرا در آن موقعیت خنده اش گرفت.

آنها در فینال ۳ بر یک از قطر باخته بودند؛ در حالی که در بازی های مقدماتی همان دوره از بازی ها ۲ بر یک قطر را شکست داده بودند.

علیرضا حقیقی، کاپیتان و دروازه بان تیم ملی نونهالان در خانه شان روبه روی من نشست است و با هیجان صحبت می کند.

او خودش را عابدزاده ۱۰ سال بعد می داند. با اعتماد به نفسی که در او می بینم، باورم می شود که او واقعا روزی سنگربان تیم ملی بزرگسالان خواهد شد.

تاریخ تولد؟

سال ۶۷.

نه، تاریخ دقیق؟

۱۲ اردیبهشت ۶۷.

چند خواهر و برادر داری؟

فقط یک خواهر بزرگتر از خودم دارم.

با خواهرت دعوا هم می‌کنی؟

الان نه، اما قبلا چرا.

شغل؟

فعلا که دانش‌آموز سال اول دبیرستان هستم.

معدل؟

به علت شرکت در مسابقه‌های فوتبال نونهالان غرب آسیا در امتحانات شرکت نکردم.

فکر می‌کنی چه دلیلی برای این مصاحبه وجود دارد؟

(با خنده) نمی‌دانم...

مگر کاپیتان تیم فوتبال نونهالان نیستی؟!

چرا.

تا به حال گل هم زده‌ای؟

دروازه‌بان هستم. گل نزده‌ام.

در کدام تیم باشگاهی بازی می‌کنی؟

نوجوانان پرسپولیس.

با تیم نوجوانان پرسپولیس هم مقامی کسب کرده‌ای؟

فعلا در مسابقه‌های استان تهران قهرمان شده‌ایم.

در مدرسه هم فوتبال بازی می‌کنی؟
بله.

در چه پستی؟
خط حمله.

پس گل هم می‌زنی؟
گاهی وقت‌ها.

قشنگ‌ترین گلی که زده‌ای؟
(کمی فکر می‌کند) یک بار از مقابل دروازه تیم خودمان شوت کردم و گل شد.

در مدرسه رقیب هم داری؟
نه.

چطور دروازه‌بان تیم ملی نونهالان شدی؟
از سه، چهار سالگی همراه پدرم به ورزشگاه شهید کشوری می‌رفتم. در آنجا با فوتبال آشنا شدم و تقریباً ۱۰ سالم بود که در دروازه همان تیم ایستادم. حدوداً یازده ساله بودم که برای تست تیم اینترمیلان دعوت شدم؛ پس از مدتی به تیم نونهالان سایپا رفتم. تقریباً یک سال در سایپا بودم و بعد هم به تیم نونهالان پرسپولیس دعوت شدم تا بالاخره امسال برای دروازه‌بانی تیم نونهالان انتخابم کردند.

مسابقه‌های غرب آسیا چطور بود؟
در دبی دو مسابقه تدارکاتی با تیم نونهالان امارات داشتیم. بازی اول را ۴ بر صفر بردیم و بازی بعد را ۴ بر ۲. بعد از دبی برای شرکت در مسابقه‌های نونهالان غرب آسیا، راهی عمان شدیم. در بازی اول، قطر را ۲ بر یک بردیم، در دومین بازی با عراق ۲-۲ شدیم و بعد هم لبنان را ۵ بر صفر شکست دادیم و به نیمه نهایی رسیدیم. بازی نیمه نهایی مان با اردن بود که ۳ بر صفر بردیم و به فینال رسیدیم و در فینال باختیم و نایب قهرمان شدیم.

موقعی که باختید، گریه هم می‌کردی؟
در آخرین مسابقه همه گریه می‌کردند؛ اما نمی‌دانم چرا من خنده‌ام گرفته بود.

چرا تو کاپیتان شدی؟

نمی‌دانم. در رختکن بودیم و برای بازی با لبنان خودمان را گرم می‌کردیم. وقتی اسامی بازیکنان دو تیم را اعلام کردند، گفتند من کاپیتان هستم و از آن زمان تا بازی فینال، من کاپیتان بودم.

با درس و مدرسه‌ات چه می‌کنی؟

راستش ورزش کمی به درسم لطمه می‌زند. از سه ماه پیش در اردو بوده‌ایم و تا پایان مسابقه‌ها من حتی وقت نکرده‌ام یک سر به مدرسه بروم.

وقتی در بازی‌ها گل می‌خوردی، عکس‌العمل بقیه چه بود؟

من در بازی‌های غرب آسیا، کلا شش گل خوردم که چون مقصر خود بچه‌ها بودند، چیزی نمی‌گفتند.

فکر می‌کنی، ۱۰ سال بعد کجایی؟

دروازه‌بان تیم ملی بزرگسالان می‌شوم.

دوست داشتی جای کدام بازیکن ایرانی باشی؟

احمدرضا عابدزاده.

وقتی تیمتان پیروز می‌شود، اول به یاد چه کسی می‌افتی؟

به یاد آقای یحیوی، مربی‌ام. اگر هم تلویزیون بازی‌ها را نشان دهد (که نمی‌دهد) به یاد پدرم می‌افتم.

چقدر فوتبال تماشا می‌کنی؟

تابستان‌ها خیلی زیاد، اما حالا زیاد نمی‌بینم.

تیم ایرانی مورد علاقه‌ات؟

پرسپولیس.

تیم خارجی؟

منچستر.

در هفته چقدر فوتبال بازی می‌کنی؟

معلوم نیست. اما دست کم هفته‌ای سه جلسه تمرین داریم.

غیر از فوتبال به ورزش دیگری هم علاقه داری؟
بسکتبال و والیبال البته گاهی اوقات.

چه سرگرمی دیگری داری؟

تلویزیون می بینم.

رنگ مورد علاقه؟

سبز و قرمز.

به چه شهرهایی سفر کرده‌ای؟
به مشهد، اصفهان و شمال رفته‌ام.

با چه نوع موسیقی راحتی؟

پاپ.

آخرین بار کی کتاب غیردرسی خواندی؟

فکر کنم تابستان بود.

آخرین فیلمی که دیدی؟

ارتفاع پست.

یک بیت شعر بخوان؟

چیزی یادم نیست.

یک خاطره؟

پس از پیروزی در مسابقه‌های فوتبال غرب آسیا به سفارت ایران در عمان رفتیم و خیلی خوش گذشت. در آنجا به ما یک پلاک و ۲۰۰ دلار پول پاداش دادند.

تیک تاک زمان برای حقیقی

تیک تاک ... تیک تاک ... زمان می گذرد، زمان می گذرد؛ آدم ها پس از سال های می توانند ببینند که آرزوهایشان چه شده است.

کودکی که بیش از یک دهه قبل نهایت آرزویش این بود که روزی «عابدزاده» و چرخش روزگار این آرزو را در سال ۲۰۱۴ محقق کرد.

علیرضا حقیقی روزی که با ضمیمه سال ۸۱ روزنامه جام جم به نام «تیک تاک» مصاحبه می کرد، یک نوجوان کوچک بود با آرزوهای بزرگ. او آن روزها تیتراژ «۱۰ سال بعد عابدزاده می شود» را روی جلد آن شماره تیک تاک قرار داد.

دروازه بان آن روزهای تیم ملی نوجوانان نمی دانست که سال ها بعد، همان روزنامه در شماره ای که قبل از بازی با آرژانتین منتشر می کند، مصاحبه ای را برای ویژه نامه انتخاب می کند که بازهم بی شباهت به تیتراژ نوجوانی او نبود. حقیقی به سایت فیفا گفته بود که الگوی من عابدزاده است.

حقیقی از روزگار نوجوانی تا به امروز روزهای تلخ و شیرین فراوانی را پشت سر گذاشته است.

شماره یکی که اکنون به آرزوی خود رسیده و جا در پای عابدزاده می گذارد. تیک تاک ... تیک تاک... کاش همه ما به آرزوهایمان برسیم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۳۴۴/عکس-۱۲-علیرضا-پیش-سال-۱۲>